

فیش منبر

موضوع:

جایگاه شخصیت حضرت

ابوطالب علیه السلام

سخنران:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

جهت عضویت در

کانال محراب کلیک کنید .

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه شخصیت حضرت ابوطالب علیه السلام از منظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

جایگاه ابوطالب (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) / سخنی درباره ایمان ابوطالب (علیه السلام) / اشعار حضرت ابوطالب (علیه السلام)؛ گواهی بر ایمان کامل حامی بزرگ اسلام / برشی های تاریخی از حمایت های ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) / اندوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از فراق حضرت ابوطالب (علیه السلام)

بیست و ششم ماه رجب، روز وفات حضرت ابوطالب (علیه السلام)؛ [1] مدافع بزرگ و با شخصیت اسلام است، [2] لذا در حالی که اسلام در مسیر پیشرفت بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله به کار خود ادامه می داد؛ دو حادثه به وجود آمد که فشار را بر محمد صلی الله علیه و آله زیاد کرد و آن وفات ابوطالب (علیه السلام) و خدیجه (سلام الله علیها) بود که سه سال پیش از هجرت اتفاق افتاد، [3] گفته اند چنان عرصه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

تنگ شد که: «حتی ینثر بعضهم التراب علی راسه و حتی ان بعضهم یطرح رحم الشأه و هو یصلی ...؛ بعضی خاک بر سرش می ریختند، و بعضی زهدان گوسفند بر بدنش می افکندند در حالی که نماز می خواند».[4]

جایگاه ابوطالب (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در فرازی از تاریخ می خوانیم ابو طالب علاقه شدیدی به عقیل داشت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله روزی خطاب به عقیل فرمود: «یا ابا یزید ائی اُحِبک حبین؛ حبا لقرابتک منی و حبا لما کنت أعلم من حب عمی اِیاک؛ ای عقیل! من تو را به دو جهت دوست دارم یکی از این جهت که خویشاوند نزدیک منی و دیگر اینکه عمویم ابو طالب تو را بسیار دوست می داشت».[5]

سخنی درباره ایمان ابوطالب (علیه السلام)

برخی معتقدند که ابوطالب (علیه السلام) مدتها قبل از اظهار اسلام، مسلمان شده بود و اسلام خود را به دلایلی پنهان می داشت.[6]

لیکن با کمال تأسف باید این حقیقت را فاش کرد که تمام کسانی که به نحوی از انحاء با علی (علیه السلام) از تباطی داشته اند، مواجه با سیل مخرب

تبلیغات مسموم بنی امیه شدند و آثار آن هنوز در بعضی کتابهای اهل سنت باقی است، لذا شخصیت هایی بزرگ هم چون ابوطالب (علیه السلام) پدر مهربان و بزرگوار علی (علیه السلام) و حامی بزرگ اسلام و حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مورد هجوم این سیل تبلیغاتی شد، حال آنکه برای پی بردن به ایمان خالص ابوطالب حامی اسلام می توان به کتابهایی همچون «ابوطالب مؤمن قریش» و اثر نفیس «الغدیر» [7] مراجعه نموده و مدارک فراوان جالبی را که از طریق اهل سنت [8] درباره ایمان ابوطالب نقل شده مطالعه نمود. [9]

به راستی چرا گروهی این همه اصرار دارند انبوه شواهد تاریخی و آثاری که از ایمان ابوطالب عمو و حامی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انکار کنند و بگویند او کافر و مشرک از دنیا رفته؟! جز این که او پدر بزرگوار امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بود. [10]

بی تردی اگر حمایت و پشتیبانی کامل ابوطالب پدر بزرگوارش از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در مکه نبود طایفه قریش و گران درنده عرب، آیین اسلام را در نطفه خفه کرده بودند و امروز اثری از آن دیده نمی شد. [11]

اما مسلمانان حق شناس! پاداش عجیبی به «ابوطالب» در برابر آن همه جانفشانی دادند، و آن این بود که گفته اند ابوطالب هرگز ایمان نیاورد و کافر از دنیا رفت! [12]، [13]

اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام؛ گواهی بر ایمان کامل حامی بزرگ اسلام در زمانه ای به سر می بریم که به زعم برخی افراد جاهل، ابوسفیان (با همه سوابق و لواحق در اسلام ستیزی!) مسلمان از دنیا رفته است ولی حامی اسلام ابوطالب کافر و غیر مسلمان! [14]

با اینکه کمترین اعتراف ابوطالب درباره اسلام این است:

محراب
ولقد علمت بأن دين محمد
هو الحق

من خير أديان البرية دينا!

یعنی: به طور قطع دانستم که آیین محمد صلی الله علیه و آله بهترین آیین های مردم دنیاست. [15]

به راستی آیا ابوطالب آنچنان مرد ضعیف الاراده و کم فکری است که یقیناً بداند آیین و دین پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بهترین آیین هاست و در عین حال از آن پیروی نکند و از مردم بترسد؟! نه، هرگز. مگر او سیدالبطحاء و بزرگ مردم مکه نبود؟ [16]

و یا اشعار ابوطالب (علیه السلام) در رثای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز مدعای ما را اثبات می کند: در کتابی که به نام دیوان ابوطالب در دست ما است اشعار زیادی در این زمینه دیده می شود مانند: [17]

ارادوا قتل احمد ظالموهم

محراب
کانال محتوای راهبری برنامه های تبلیغی

ولیس بقتلهم فیهم زعیم

«ستمگران آنها تصمیم قتل احمد را داشتند- ولی برای این کار رهبری نیافتند».[18]

و ان كان احمد قد جائهم

بحق ولم يأتهم بالكذب

«قطعا احمد آیین حقى برای آنها آورده- و هرگز دروغ نیاورد.»[19]، [20]

در غیر دیوان ابوطالب نیز اشعاری از ابوطالب نیز در این زمینه نقل شده
مانند:

محراب
کانال محتوای راهبری برنامه های تبلیغی
لقد اکرم الله النبي محمدا

فاكرم خلق الله فى الناس احمد

«خداوند پیامبر خود محمد را گرامی داشت- و لذا گرامی ترین خلق خدا در میان مردم احمد است».[21]،[22]

برشی های تاریخی از حمایت های ابوطالب (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

«ابوطالب» پدر بزرگوار امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، که نفوذ و اعتباری بسیار در میان مردم مکه داشت، و از تدبیر و هوش و ذکاوت فوق العاده ای برخوردار بود، او خود را سپری نیرومند در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) کرده بود و یار و یاور و حامی مهربان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود.[23]

در تبیین این مدعا می توان به کلام امیرالمومنین حضرت علی (علیه السلام) استناد کرد که در نامه ای به معاویه فرمود: «و کافرنا یحامی عن الأصل»؛ به عقیده جمعی از مفسران نهج البلاغه اشاره به شخصیتجایی همچون عباس، ابوطالب، حمزه و امثال آنهاست که حتی قبل از آن که اسلام بیاورند، مدافع اسلام و پیغمبر اکرم به خاطر وفاداری به اصول عواطف خویشاوندی بودند.[24]

در حدیثی از امام علی بن الحسین (علیهما السلام) می خوانیم: «ابوطالب همواره با شمشیرش از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دفاع می کرد». [25]

و یا ابن هشام در تاریخ خود معروف به سیره نبویه آورده است ، در آغاز اسلام هنگامی که وقت نماز فرا می رسید پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ادای نماز به بعضی از دره های مکه می رفت و تنها علی بن ابی طالب به صورت پنهانی همراه او بود ... روزی پدرش ابوطالب گفت: فرزندم این چه دینی است که تو بر آن هستی؟ گفت: ای پدر! من به خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و آنچه را از سوی او آورده ایمان آوردم، و با او نماز خواندم؛ ... ابوطالب گفت: آگاه باش که او تو را جز به خیر و نیکی فرا نخوانده است؛ هرگز از او جدا مشو! [26]، [27]

هم چنین عثمان بن مظعون که یکی از صحابه معروف پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است می گوید: من در آغاز اسلام را به صورت ظاهری پذیرفته بودم نه با قلب و دل؛ دلیل آن هم این بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) کرارا به من پیشنهاد اسلام کرد و من هم از روی حیا پذیرفتم. [28]

این وضع همچنان ادامه یافت تا این که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آیه ای [29] را تا به آخر برای من خواند، محتوای عالی آن بر دل من چنان اثر گذاشت که در همان ساعت، اسلام در اعماق جان من فرو نشست. به سراغ ابوطالب عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفتم، و جریان را به او خبر دادم [30].

گفت: «ای طایفه قریش! از محمد (صلی الله علیه و آله) پیروی کنید که هدایت خواهید شد؛ زیرا او شما را جز به فضایل اخلاقی دعوت نمی کند.» [31]

اندوه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از فراق حضرت ابوطالب (علیه السلام) در تاریخ در موضوع یتیمی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده است؛ چون در آن هنگام که در شکم مادر بود، پدرش عبدالله را از دست داد و شش ساله بود که مادرش نیز از دنیا رفت و خداوند او را در آغوش جدش عبدالمطلب و در هشت سالگی که جدش از دنیا رفت، در دامان عمویش ابوطالب پناه داد که او را همچون جان شیرین در بر می گرفت و محافظت می کرد، [32] آری ابوطالب که فرد بسیار با شخصیت و پرنفوذی در میان قریش و مکه بود، کفالت پیامبر صلی الله علیه و آله را برعهده گرفت [33] و مراقبت و حفاظت ویژه ای از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمود. [34]

لیکن بعد از وفات «ابوطالب» کار بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) سخت شد به سوی «طائف» رفت شاید یارانی پیدا کند، اشراف «طائف» شدیداً از در تکذیب درآمدند، و آنقدر از پشت سر، به پیامبر سنگ زدند که خون از پاهای مبارکش جاری شد، خسته و ناراحت به کنار باغی آمد، و در سایه درخت نخلی نشست، در حالی که خون از پاهای مبارکش می ریخت. [35]

حتی در حدیث معروفی از ابن عباس می خوانیم که می گفت: هیچ آیه ای شدیدتر و مشکل تر از این آیه «فاستقم كما أمرت ...» [36] بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) نازل نشد و از این رو هنگامی که اصحاب آن حضرت پرسیدند: ای رسول خدا! چرا به این زودی موهای شما سفید شده و آثار پیری نمایان گشته می فرمود: «شیبتنی هود والواقعه»؛ سوره «هود» و «واقعه» مرا پیر کرد. [37] گفته اند: سوره «هود» بعد از وفات «ابوطالب» و «خدیجه» نازل شد که امواج غم و اندوه از هر سو قلب پاک پیامبر (صلی الله علیه وآله) را احاطه کرده بود. [38]

سخن آخر

با نهایت تأسف این یار وفادار، و شخصیت بزرگ و انسان ایثارگر، در سال دهم بعثت به فاصله کمی چشم از جهان پوشید، و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را در مرگ خود عزادار ساختند، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این نظر تنها ماند. [39]

شدت اندوه آن حضرت در سوگ ابوطالب (علیه السلام) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که به حق هر کدام سهم قابل ملاحظه ای در پیشرفت اسلام داشتند از این جا روشن می شود که آن سال را «عام الحزن» یعنی «سال غم و اندوه» نام نهادند. [40]

پی نوشت :

- [1] بحارالانوار، ج 48، ص 1 و 8، حدیث 1.
- [2] مدیریت و فرماندهی در اسلام؛ ص 31.
- [3] کامل، ج 1، ص 507، / ابن هشام، جزء 2، ص 57، / طبری، ج 2، ص 80.
- [4] پیام قرآن؛ ج 8؛ ص 21.
- [5] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج 8؛ ص 411.
- [6] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج 9؛ ص 113.

[7] الغدير؛ ج 7.

[8] الاستيعاب، ج 4، ص 87؛ مروج الذهب، ج 3، ص 86.

[9] آيين ما (اصل الشيعة)؛ ص 76.

[10] زهرا سلام الله عليها برترين بانوى جهان؛ ص 57.

[11] آيين ما (اصل الشيعة)؛ ص 75.

[12] ابن ابى الحديد گوید:

ولو لا ابوطالب وابنه

لما مثل الدين شخص فتاما

فذاك بمكة اوى و حامى

وذاك بيثرب جس الحماما

شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج 14، ص 84.

درباره ايمان ابوطالب: ر. ك: اوائل المقالات، ص 13؛ روضة الواعظين، ص

138؛ بحار الانوار، ج 35، ص 138؛ الغدير، ج 7، ص 384؛ شرح نهج البلاغه ابن

ابى الحديد، ج 4، ص 165؛ مجمع البيان، ج 2، ص 287.

[13] آيين ما (اصل الشيعة)؛ ص 75.

[14] همان؛ ص 76.

[15] همان.

[16] همان.

[17] پیام قرآن؛ ج 8؛ ص 427.

[18] همان.

[19] دیوان ابوطالب، صفحه 25 و 26.

[20] پیام قرآن؛ ج 8؛ ص 427.

[21] تاریخ ابن عساکر، جلد 1، صفحه 275.

[22] پیام قرآن؛ ج 8؛ ص 427.

[23] زهرا سلام الله علیها برترین بانوی جهان؛ ص 30.

[24] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج 9؛ ص 113.

[25] شان نزول آیات قرآن؛ ص 511.

[26] سیره ابن هشام، جلد 1، صفحه 263 (طبع داراحیاء التراث العربی).

[27] پیام قرآن؛ ج 9؛ ص 331.

[28] همان؛ ج 8؛ ص 95.

[29] إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربىٰ وينهى عن الفحشاء والمنکر والبغیٰ یعظم لعلکم تذكرون؛ خداوند به عدل و احسان فرمان می

دهد و (همچنین) به بخشش به نزدیکان؛ و از فحشا و منکر و ستم نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید.».

[30] پیام قرآن؛ ج 8؛ ص 95.

[31] همان.

[32] پیام قرآن؛ ج 8؛ ص 58.

[33] سوگندهای پر بار قرآن؛ ص 411.

[34] شان نزول آیات قرآن؛ ص 503.

[35] همان؛ ص 401

[36] هود، آیه 112.

[37] مجمع البیان ج 5، ذیل تفسیر سوره هود؛ بحار الانوار، ج 17، ص 52؛ در المنثور، ج 5 ص 202.

[38] پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج 13؛ ص 165.

[39] زهرا سلام الله علیها برترین بانوی جهان؛ ص 30.

[40] همان.